



امتحانات متمرکز تکمیلی نیمسال دوم ۱۴۰۰-۱۳۹۹

رشته فلسفه، کلام، تفسیر، تاریخ، اخلاق، مهدویت، امامت، ادبیات عرب، مشاوره، تربیت دینی

ماتر برای: ۱۰ صبح
نمره: ۱۵
مدت پانکون: ۷۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

مهر مدرسه

کد امتحان:	۳۴۰۰۲/۰۱
تاریخ آزمون:	۱۴۰۰/۰۴/۰۱
عنوان:	فقه ۲
کتاب:	دروس تمهیدیه فی فقه الاستدلالی
محدوده:	ج ۳: کتب قضا (ص ۵۰-۹)، شهادت (ص ۸۶-۵۱) و اقرار (ص ۱۱۳-۱۰۷)
حذفیات:	ندارد

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلکبی: مدرسه علمیه: شهرستان: استان:

۰/۵

۱- از دیدگاه مصنف مناسب ترین عبارت برای تعریف قضاء کدام است؟ ص ۱۱، خط آخر و ص ۱۲، خط ۱

الف. الحكم لفصل الخصومة ممن له الولاية على ذلك شرعا

ب. الولاية على الحكم شرعا بين المتخاصمين

ج. مجرد الحكم و لو ممن لا ولاية له عليه

د. الحكم بين المتخاصمين لرفع الخصومة

۰/۵

۲- حکم ادعای مالکیت مالی که کسی بر آن ید ندارد، چیست؟ ص ۴۷

الف. پذیرفته نمی شود چون ممکن است مالک آن غایب باشد.

ب. با بینه پذیرفته می شود، چون مدعی باید بینه بیاورد.

ج. با بینه و قسم پذیرفته می شود به دلیل روایات.

د. بدون بینه پذیرفته می شود به دلیل سیره عقلا.

۰/۵

۳- در کدام گزینه علاوه بر بینه، قسم مدعی لازم است؟ ص ۴۰

الف. هر نوع دعوی علیه طفل

ب. هر نوع دعوی علیه میت

ج. دعوی دین علیه طفل

د. دعوی دین علیه میت

۰/۵

۴- کدام مورد با «شهادت یک مرد و دو زن» ثابت می شود؟ ص ۶۳

الف. دعوی عین علیه شخص حی

ب. دعوی رضاع

ج. دعوی نکاح

د. مساحقه

۰/۵

۵- شهادت بر شهادت در کدام مورد قبول می شود؟ ص ۷۵

الف. شرب الخمر

ب. الزنا و اللواط

ج. ثبوت المال

د. حد السرقة

۰/۵

۶- مراد از «تحمل الشهادة» چیست؟ ص ۷۵

الف. حضور الشاهد عند الواقعة ثم ادائه للشهادة

ب. الحضور لكونه شاهداً على وقوع الشيء

ج. حضور الشاهد عند الحاكم

د. اداء الشهادة عند الحاكم

۷- با توجه به روایت: «السحت انواع كثيرة: منها ما اصيب من اعمال الولاة الظلمة و منها اجور القضاة و اجور الفواجر...» استدلال شده

است که اخذ اجرت بر قضا حرام است، استدلال و پاسخ داده شده به آن را با توجه به مرجع ضمیر «منها» تبیین نمایید. ص ۱۷

جواب: گفته شده است چون ضمیر «منها» در «منها اجور القضاة» به «انواع كثيرة» می‌خورد، پس اجری که قاضی می‌گیرد از انواع مال حرام است؛ پس اخذ اجرت بر قضا حرام است. (۱ نمره)

پاسخ این ادعا نیز به این نحو داده شده که احتمال دارد مرجع ضمیر، «ما اصيب من اعمال...» می‌باشد؛ یعنی از جمله مصادیق مالی که از والی ظالم به دست می‌آید و حرام است، اجرت قاضی است. پس اخذ اجرت مطلقاً حرام نیست؛ بلکه اخذ اجرت از والی ظالم حرام است. (۱ نمره)

۸- برای دعوای بلا اثر مثالی زده، بیان کنید آیا به چنین دعوایی رسیدگی می‌شود یا نه؟ چرا؟ ص ۳۰ و ۲۸

جواب: مثل اینکه شخصی که مالی به او هبه شده ولی قبض نکرده، ادعای مال را کند. این دعوای بلا اثر است چون شرط صحت هبه قبض است و به آن رسیدگی نمی‌شود چون تأثیری ندارد اثبات یا عدم اثبات دعوا.

۹- شخصی مدعی ملکیت خانه‌ای است که دیگری در آن سکونت دارد و هر دو بینه بر ملکیت دارند. با توجه به ادله حجیت بینه و روایت:

«البينة على من ادعى و اليمين على من ادعى عليه» توضیح دهید چگونه باید حکم نمود؟ ص ۵۰-۴۹

جواب: روایت مذکور دلالت نمی‌کند بینه منحصرأ از مدعی پذیرفته می‌شود؛ بلکه معنای روایت آن است که وظیفه مدعی بینه است. پس اطلاق ادله حجیت بینه باقی می‌ماند. لذا بینه هر دو پذیرفته می‌شود و دو بینه تعارض و تساقط می‌کنند و چون ذوالید مدعی علیه است، با یمین مالک خانه می‌شود.

۱۰- برای اثبات جواز شهادت صبی ممیز به آیه شریفه: «و اللاتی یأتین الفاحشة من نسائکم فاستشهدوا علیهن اربعة منکم» استناد شده است. نحوه استدلال و پاسخ آن را ذکر کنید. ص ۵۴

جواب: گفته شده است که آیه امر کرده شاهد بگیرد و شاهد را مقید به بلوغ نکرده و به اطلاق آیه می‌توان تمسک کرد و شهادت غیر بالغ ممیز را صحیح دانست. (نمره) لکن پاسخ داده می‌شود به اینکه آیه در مقام لزوم شاهد گرفتن است نه بیان خصوصیات شاهد. پس اطلاق ندارد. (۱ نمره) یا: بقرض که آیه اطلاق داشته باشد، روایات دیگری که می‌گویند از صبی شهادت جز در قتل پذیرفته نمی‌شود، مقید اطلاق خواهد بود.

۱۱- مقتضای اطلاعات نسبت به قبول «شهادت تبرعی» چیست؟ دلیل قائلین به پذیرش این شهادت در حق الله و عدم پذیرش آن در

حق الناس را بنویسید. ص ۸۱ و ۸۰

جواب: مقتضای اطلاعات: شهادت تبرعی پذیرفته می‌شود. (نمره ۰/۵) دلیل قائلین به تفصیل: دلیل عدم قبول در حق الناس: تبرع به شهادت در این موارد موجب متهم شدن شاهد است، لذا شهادت او پذیرفته نمی‌شود [یا زیرا روایت خاص در این مورد داریم]. (یک دلیل ۰/۷۵ نمره)

دلیل قبول در حق الله: از آنجایی که حق به خداوند اختصاص دارد، هیچ مدعی در کار نیست پس شهادت تبرعی پذیرفته می‌شود [یا زیرا در مصالح عمومی همه مدعی هستند پس شهادت تبرعی نیز قبول می‌شود]. (یک دلیل ۰/۷۵ نمره)

۱۲- قاعده «من ملک شیئاً ملک الاقرار به» را توضیح دهید و برای آن مثالی بزنید. ص ۱۱۰

جواب: معنای قاعده: هر کس در چیزی حق تصرف داشته باشد، اخبار او به تصرف، حجت و مورد قبول است. (نمره) مثلاً شخصی وکیل در انجام عقد است. اگر او خبر دهد که عقد را انجام داده از او پذیرفته می‌شود و نیازی به اخذ بینه نیست. (نمره)